■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۲۹ ■ سه‌شنبه ■ ۹ دی ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۷ | اذان مغرب ۱۷/۲۰ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ | اذان صبح فردا ۵/۲۴ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۴

سخن روز

امام حسین(ع):
مرگ با عزت ، زندگی جاوید است و زندگی با ذلّت و همراه با ظالمین چیزی جز مرگ نیست.
لهوف ص۱۳۸؛ مثیرالاحزان ص۴۴

بهروز غریب پور: بعد از کرونا بر میزان مخاطبان سینما، موسیقی و تئاتر افزوده خواهد شد

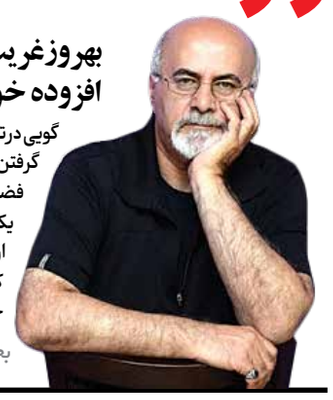

گویی در تئاتر به اتفاقی شبیه به کرونا نیاز داشتیم؛ قطعاً نه از بعد آسیب‌هایش بلکه خروجی و نتایجی که کرونا بر قوت گرفتن ارتباطات در جهان مجازی و استفاده بهینه از آنها داشت و باعث شد به ارزش‌های این فضا پی ببریم. تئاتر فضایی جزیره‌ای دارد و مخاطبانش محدود هستند، اما شکل‌گیری تله تئاتر در غرب و ایران مخاطبان این هنر را به یکباره افزایش داد؛ درواقع یک مدیوم متفاوت انگیزه مردم را به تماشای آثار روی صحنه بیشتر کرد. بنابراین بعد از کرونا و تجربه نمایش‌های آنلاین هم بر میزان مخاطبان سینما، موسیقی و تئاتر افزوده خواهد شد. به شرط آن که درست عمل کنیم. به هر حال هنر زنده است، مخاطب زنده است و ما در این میان نه تنها نباید ارتباطات خود را با جهان از دست دهیم، بلکه باید به تعریف جایگاهی ویژه برای تئاتر در شرایط کنونی بیندیشیم.

بخشی از صحبت‌های این نویسنده و کارگردان تئاتر با ایلنا

شب از عنبر
جهان را کله
می بست
زمستان بود و باد
سرد می جست
زمین کز سردی
آتش داشت
در زیر
پرند آب را می کرد
شمشیر

نظامی گنجوی
منظومه خسرو و شیرین

نـــگاره
سهیل محمدی

فصل امتحانات مجازی و آنلاین دانش آموزان

#آلودگی_هوا

هشتگ

آلودگی هوای کلانشهرها ادامه دارد و همین باعث شده این روزها نوشته‌های زیادی را درباره این مسأله در شبکه‌های اجتماعی بخوانیم. عکس‌های زیادی از آلودگی هوای شهرهای تهران و اصفهان منتشر می‌شود و خیلی‌ها هم به حرف و حدیث‌ها درباره تأثیر مازوت در آلودگی هوا می‌پردازند: «اگر کسی خبر داره که کاری و اقدامی داره برای آلودگی هوا می‌شه لطفاً بگه. نفس نمیشه کشید. مرگ تدریجی. دلخوش نباشید که جزو گروه‌های حساس نیستید، بتدریج تعداد گروه‌های حساس بیشتر می‌شه.»، «چرا این همه رئیس و مسئول و مدیر و... تو کشور نمی‌تونن آلودگی هوا رو درست کنن و فقط باید چشم‌انتظار باران باشیم؟»، «من مطئنم اگر از کرونا جون سالم به در ببرم از آلودگی هوا می‌میرم.»، «مسئولان اصلاً متوجه نیستن که افزایش آلودگی هوا موجب افزایش میزان ابتلا و مرگ و میر کرونا می‌شه»، «این میزان از آلودگی برای تمامی افراد ناسالم است و ممکن است در طولانی مدت تأثیراتی روی سلامتی آنها ایجاد کند. اعضای گروه حساس با خطرات جدی‌تری روبه‌رو هستند.»، «شرکت‌های خودروساز داخلی تولید خودروهای الکتریکی را در اولویت قرار بدهند و خط تولید فعلی را متوقف کنند.. خودروهای بنزینی گازوییلی وگازی نقش پر رنگی در آلودگی هوا دارند»، «آلودگی هوا میل به نیستی رو در من به بالاترین حد خودش می‌رسونه.»، «خوبی کرونا اینه که کسی از آمار مرگ و میر آلودگی هوا صحبت نمی‌کنه دیگه»، «به والله این غیرحضوری کردن مدرسه و دانشگاه و دورکاری کارمندا باعث شده ملت همش تو خیابون ولو باشن وگرنه این آلودگی هوا برای چیه»، «با این آلودگی هوا انگار نشستی کلی قلیون کشیدی»، «امسال که دیگه مدارس هم تعطیله، برای رفع آلودگی هوا کجا رو تعطیل کنیم؟!»، «مازوت می‌سوزونند هوا انقدر آلوده شده؟ از صبح یه بوی نامطبوع می‌یاد و همه همکاران حالت تهوع داریم.»، «همه مون داریم زیر مازوت و گوگرد دفن می‌شیم»، «کاشکی هوا گرم شه مصرف گاز بیاد پایین نیروگاه‌ها مازوت نسوزونن تا هوا تمیز بشه»، «چهار ساعت تهران بودم تنفسم داغون شده سرم درد گرفته. شما چطوری اونجا زندگی می‌کنید؟!»، «آلودگی هوای تهران به حدی رسیده که مهم نیست دیگه مرکز شهر بری یا شمال شهر، از خونه که خارج بشی حال بد و سرگیجه و تهوع میاد سراغت».

شهروند مجازی
یگانه خدامی

خیابان‌های تاریک

ماجرا

خاموشی چراغ‌های اتوبان‌ها و معابر شهری تهران باعث تعجب و انتقادهای زیادی شد. کاربران زیادی با انتشار عکس‌های خیابان‌ها و بزرگراه‌های تاریک درباره اینکه چرا این اتفاق افتاده است می‌پرسیدند و اخباری را که درباره افزایش مصرف انرژی برق و گاز در بخش خانگی که منجر به اجرای طرح خاموشی معابر و روشنایی بزرگراه‌ها پس‌از ساعت ۲۱ شده منتشر می‌کردند. اینکه رئیس پلیس راهور تهران اعلام کرد مخالف قطع برق اتوبان‌ها است باعث شد کاربران درباره اثرات منفی این کار بنویسند: «چراغ معابر را خاموش نکنید. کارگران محترم شهرداری و عابران پیاده را به‌خطر می‌اندازید. خداوکیلی این تصمیم‌ها چطور به ذهنتان می‌رسد؟!»، «این کار باعث افزایش تصادف می‌شود و جان مردم را به‌خطر می‌اندازید. تصمیم غیر فنی و کارشناسی است هر چه سریعتر باطل کنید.»، «فکر کن تصادف بشه، آمبولانس بیاد نور نیست مریض رو جمع کنه؟»، «چه کاریه برادر من... چرا برق رو قطع میکنی؟»، «ایده قشنگیه، به شرطی که خبر بدین، وحشت کردن همه. حداقل یه کلید دو پل بذارین یکی درمیون خاموش کنین»، «آمار جانباختگان تصادف در حال کاهش بود که عزیزان جهت جلوگیری از این کاهش، دستور به خاموش نمودن چراغ اتوبان‌ها دادند تا جایگاه تصادفات در مرگ و میر ایرانیان خدشه دار نشود.»، «پاکبان‌ها همین‌جوری در خطر هستند حالا چراغ‌ها رو خاموش می‌کنید چه بلایی سر این عزیزان میاد»، «شب‌ها چراغ‌های معابر رو روشن نمی‌کنند که کرونا بخوابه، شاید دیگه صبح بلند نشد»، «این ضرب المثل که میگن اومد ابروشو درست کنه، زد چشمشم کور کرد درست ماله همین موضوعه که منع تردد شبانه شاید باعث کاهش کرونا بشه ولی خاموش کردن روشنایی معابر هم باعث روشن شدن چراغ خفتگیری و نا امنی مردم میشه.»، «محله ما جوری ترسناک می‌شه که من خودم جرأت نمی‌کنم برم بیرون...»، «گاز برای نیروگاه‌ها کمه چاره‌ای جز این کار نیست وگرنه خاموشی برق یا قطعی گاز داریم»، «خاموشی برق بزرگراه‌ها و برخی خیابان‌ها غیر از اینکه باعث افزایش آمار تصادف‌ها می‌شود و بستر و فضای جولان بیشتر سارقان و معتادان متجاهر را فراهم می‌کند، نتیجه دیگری ندارد. یکی از اصول پیشگیری از جرم بویژه درشب‌ها، روشنایی کافی است، صرفه‌جویی رابه صورت دیگری اجرا کنید.»

«این کار باعث افزایش تصادف می‌شود و جان مردم را به‌خطر می‌اندازید. تصمیم غیر فنی و کارشناسی است هر چه سریعتر باطل کنید.»، «فکر کن تصادف بشه، آمبولانس بیاد نور نیست مریض رو جمع کنه؟»، «چه

نقش رسانه‌ها در ایجاد اعتماد به واکسن داخلی

یادداشت

زرین زردار
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و دبیر شورای عالی سیاستگذاری کرسی ارتباطات علم و فناوری یونسکو

کاهش آمار مبتلایان و قربانیان بیماری کرونا بیشتر از اینکه با فعالیت مؤثر رسانه‌ها اتفاق افتاده باشد، موضوعی مربوط به سیاستگذاری ستاد کروناست. وضع مقررات جدی تری که کمک کرده شمار مبتلایان کاهش پیدا کند. در این شرایط براساس آنچه که من دیده‌ام اتفاقاً در رسانه‌های رسمی توجه به‌موضوع رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی کاهش زیادی داشته است. پیش از این همیشه زیرنویس‌هایی داشتیم که به افراد اطلاعاتی درباره اینکه چه کارهایی در این شرایط باید انجام دهند و درباره فاصله فیزیکی هشدار می‌داد اما اکنون تعداد این زیرنویس‌ها و هشدارها کمتر از قبل شده است. البته بخشی از این مسأله به این دلیل است که حتی نهادهای بهداشتی بین‌المللی بیشتر بر واکسن تمرکز کرده‌اند و می‌بینیم که توجه کمتری به مراقبت‌های دوره قبل از واکسیناسیون می‌شود. اما به نظر من هنوز برای اینکه بخواهیم از اینکه موفقیتی برای مهار کرونا به‌دست آورده‌ایم خوشحالی کنیم، زود است. بخصوص اینکه با انواع متنوع واکسن مواجهیم که مشخص نیست کارآمدی‌شان در محیط چه میزان است. از طرفی در کشوری شبیه ما که در شرایط تحریم است و به همه انواع واکسن دسترسی ندارد و درباره اینکه چطور و به چه میزان این واکسن‌ها تهیه شود ابهامات زیادی وجود دارد، بسیار زود است که در رسانه‌ها درباره تمام شدن کرونا صحبت کنیم. در چنین شرایطی که امیدواری‌هایی در دنیا ایجاد شده که برای این قصه پایانی قابل مشاهده است و از طرف دیگر هنوز موضوع درباره اثربخشی واکسن‌ها و... پیچیده است و همیشه گروه‌هایی هستند که از این شرایط سوءاستفاده می‌کنند و آمار و ارقام نادرست می‌دهند، نقش رسانه‌ها و بخصوص نقش رسانه‌های مستقل بسیار مهم و پررنگ است. در این فضا روزنامه نگاری تحقیقی یک ضرورت برای همه دنیاست. اینکه در این موضوع بحث برانگیز رسانه‌ها بتوانند داده‌های قابل اتکا به مردم ارائه بدهند درباره اینکه ماجرای واکسن‌ها چیست و چه کنشگرهایی درگیر این ماجرا هستند و منافع عمومی کجاست و چطور تأمین می‌شود. برای شفاف کردن این فضای پر از ابهام بسیار ضرورت دارد که رسانه‌ها وارد کار شوند و با زاویه دید روزنامه نگاران تحقیقی اطلاعات لازم را به‌صورت شفاف در اختیار مردم بگذارند.

فکر می‌کنم بخش زیادی از جامعه درباره اینکه چرا باید محدودیت‌هایی بر زندگی حاکم باشد توجیه هستند. باوجود همه سختی‌هایی که به همه ما تحمیل می‌شود. اما این حق شهروندان است که درباره مخاطره‌های واکسن بدانند. اینکه هرکدام از این واکسن‌ها چقدر برایشان ریسک و هزینه دارد، واکسن ساخت داخل در چه مرحله‌ای است و چقدر سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی برای آن انجام شده و چقدر احتمال دارد تلاش‌ها برای تولید واکسن به نتیجه برسد. لازم است که شهروندان مشارکت فعال تری در سیاستگذاری علم و فناوری و به‌طور خاص در حوزه تولید واکسن داشته باشند و اگر ما پتانسیل لازم برای تولید انبوه را داریم و این امکان وجود دارد در آینده نزدیک به واکسنی با استانداردهای لازم برسیم باید برای آن سرمایه‌گذاری عمومی صورت بگیرد و روزنامه نگاری تحقیقی می‌تواند شهروندان را توانمند کند برای اینکه مطالبه درست داشته باشند و واقع بینانه به سیاستگذاری سلامت در کشور نگاه کنند. باید از طریق رسانه‌ها اطلاعاتی در اختیارشان قرار بگیرد که بتوانند تصویر درستی از آنچه که در داخل و در نظام سلامت کشور می‌گذرد و آنچه در خارج از کشور اتفاق می‌افتد داشته باشند. مجموعه اینها می‌تواند کمک کند که جامعه در مسیر درست حرکت کند. برای ایجاد اعتماد در مردم درباره واکسن داخلی راهی غیر از شفاف کردن موضوع از طریق رسانه‌ها وجود ندارد. ممکن است نظام سلامت اقدامات مؤثری انجام دهد اما چون به اندازه کافی اطلاعات شفاف در اختیار شهروندان قرار نمی‌گیرد مردم دچار بدگمانی می‌شوند. بخصوص اینکه اخبار مربوط به آغاز واکسیناسیون در کشورهای دیگر منتشر می‌شود و ما هنوز مقدماتش را هم فراهم نکرده‌ایم و این باعث شده شهروندان احساس بی‌پناهی کنند و این نگاه با ارائه اطلاعات شفاف می‌تواند جبران شود.

درباره «کودتای ۵۳»

شورش علیه یک ملت

سایه روشن

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

فصل‌هایی از تاریخ برای مردم یک سرزمین، اهمیتی ویژه دارند. شخصیت‌هایی در قلب نسل‌ها زندگی می‌کنند و بدون هیچ فرمایش یا دستوری محبوب هستند. گویی واژه «فراموشی» درباره‌شان صدق نمی‌کند. دکتر محمد مصدق یکی از آنهاست، سیاستمداری که سلوک و عملکردش با سیاستمدار دیگری شباهت ندارد. مردی که دوستداران بسیارش، ستایشش می‌کنند و مخالفانش که او را مصدق‌السلطنه می‌دانند، معتقدند با ملی کردن صنعت نفت و مخالفت با محمدرضا پهلوی به ایران خیانت کرده است!

شاید باورش دشوار باشد هنوز افرادی هستند که مصدق را خائن بدانند، اما تماشای مستند «کودتای ۵۳» کلیدی برای ورود به دنیای این گروه

است. افرادی که منفعت فردی را بر منفعت جمعی ترجیح می‌دهند. «کودتای ۵۳» اثری است جذاب و پرکشش، سرو گردنی بالاتر از اغلب مستندهایی که در شبکه‌های تلویزیونی مختلف خارجی تولید می‌شود و این روزها تماشاگران بسیاری دارند و تاریخ و سیاست را برای مخاطبان بازتعریف می‌کنند.

«کودتای ۵۳» از همان دقایق نخست، شما را با خود همراه می‌کند. با تقی (تقی امیرانی، کارگردان و راوی فیلم) در جست‌وجو و کشف برای دسترسی به منابع قابل استناد همراه می‌شوید و در این جریان پرفراز و نشیب، به اسنادی تازه و حیرت‌آور از مردم و سیاستمدارانی برمی‌خورید که نخواستند دولت مصدق (که محبوب انگلیس و امریکا نبود) در ایران پا بگیرد. حضور امیرانی مقابل دوربین، دلنشین است، تماشاگر او را می‌پذیرد و با او در این سفر و کشف، همراه می‌شود. آنچه فیلم را پیش می‌برد، جدا از موضوع جذابی که دارد، ساختار قوی است. تدوین خوب، ضرباهنگی که هرگز کند نمی‌شود و اجازه نمی‌دهد فیلم ملال‌آور شود.

فیلم، مدلی قابل اعتنا از مستند تاریخی است، ترکیب الگوهایی آشنا مثل مصاحبه، تصاویری واقعی از روند تولید پروژه و بازسازی‌هایی اندک. همه چیز در بهترین و پخته‌ترین شکل ممکن و البته جذاب برای تماشاگر است. فیلمی که می‌تواند به‌عنوان یک اثر سینمایی، روی پرده برود و تماشاگر انبوه داشته باشد، البته اگر درست معرفی شود.

«کودتای ۵۳» از آن دست مستندهایی است که موضع سازنده‌اش در آن روشن و شفاف است، قرار نیست تماشاگر نداند تقی برای چه، سال‌هایی طولانی از عمرش را برای واکاوی اسناد درباره کودتای ۲۸ مرداد صرف کرده و چرا مصر است به گفت‌وگوها و اسناد درباره نورمن داربیشر (مسبب اصلی کودتا) دسترسی پیدا کند. پایان فیلم هم قطعی است، کشف در طول مسیر اتفاق افتاده و تماشاگر همراه راوی به آخر این تراژدی می‌رسد. فیلم روی نقاط تاریک یا مغفول مانده از این ماجرا، نور می‌اندازد و موفق می‌شود بخش‌هایی از تاریخ را روایت کند که شرم‌آور است. بیش از همه برای انگلیس و امریکا و ایرانیانی که با غربی‌ها همکاری کردند تا مصدق از عرصه سیاست خارج شده و ظالمانه به حصر برود. تقی، نماینده همه ایرانیانی است که پس از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت محمد مصدق، یأسی به اندازه تاریخ داشتند. مردمی که دولت‌های غربی، سرنوشتشان را تیره و تار کرده و برایشان دیکتاتوری به ارمغان آوردند.

«کودتای ۵۳» مانند هر اثر هنری قابل توجهی، ارزش بارها دیده شدن دارد و در هر بار، می‌توان براین قصه پر آب چشم، گریست.

روایت دو جدایی پرماجرا از حزب توده

پیشنهاد

فریدون مجلسی
مترجم و تحلیلگر روابط بین‌الملل

در میان کتاب‌هایی که به‌تازگی خوانده‌ام «جاسوسی در حزب» را اثر قابل توجهی یافته‌ام که در آن به نکاتی جالب اشاره‌شده است. این کتاب را به‌نوعی می‌توان زندگی‌نامه فریدون یزدی و برادرش پرویز دانست. کتاب در قالب گفت‌وگوی قاسم نورمحمدی با هردو برادر نوشته‌شده است. کتاب را که بخوانید این دو برادر را نماد خیانتی عجیب‌وغریب پیدا می‌کنید و جالب این‌که روایت‌ها همچون صحنه‌های فیلم سینمایی در ذهنتان به تصویر کشیده می‌شود. فریدون یزدی، پسر مرتضی یزدی عضو مدیریت حزب توده ایران بوده، مردی که بعد از ترور شاه از زندان قصر با همراهی نفوذی‌های حزب توده در اداره شهربانی و پلیس فراری داده می‌شود. مرتضی یزدی، پدرش در دولت ائتلافی قوام‌السلطنه استالین را برای نجات آذربایجان فریب می‌دهد؛ آن زمان او وزیر بوده است. هرچند که گرفتار زندان می‌شود. پسرش برای تحصیل عازم اروپا می‌شود و آنجا با سران حزب توده که ساکن آلمان شرقی و لایپزیگ بوده‌اند آشنا می‌شود. از وضعیت حزب متنفر می‌شود، به سفارت ایران در دوره پهلوی مراجعه می‌کند و خواهان همکاری با ساواک می‌شود. از آن زمان به بعد فریدون یزدی جاسوسی دوجانبه می‌شود، از طرفی به استخدام ساواک در می‌آید و از سوی دیگر به کار خود در جایگاه دبیر کل حزب توده ایران ادامه می‌دهد و از روی تمام اسناد آنان کپی گرفته و در اختیار نماینده ساواک می‌گذارد. بعدها زمانی که بخشی از اسناد حزب را روبده وبه برلن غربی می‌رود؛ دوباره طمع می‌کند و به تصور این که دزدی‌اش آنقدر ماهرانه بوده که کسی نفهمیده است تصمیم می‌گیرد بازگردد و اسناد دیگری را برباید. هرچند که دستگیر و محکوم‌به حبس ابد می‌شود. بعدها در شکل‌گیری روابط ایران و آلمان شرقی او را به‌عنوان وجه‌المصالحه آزاد می‌کنند و به ایران بازمی‌گردد. این کتاب نکات جالبی از ارتباطات حزب توده دارد. از سویی در کتاب درباره داریوش، پسر جعفر پیشه‌وری هم آمده است. داریوش به همراه پدرش به باکو فرار کرده؛ آنجا در تصادفی ساختگی جعفر پیشه‌وری کشته‌شده و داریوش برای تحصیل عازم آلمان شده و به فریدون یزدی معرفی می‌شود. اما حتی او هم خواهان باقی ماندن در آلمان شرقی نمی‌شود و به کمک یزدی پاسپورت ایرانی می‌گیرد تا با حکومت همکاری کند اما با همان پاسپورت عازم امریکا می‌شود. در این کتاب شاهد دو جدا شدن هستیم؛ یکی جدایی یزدی از حزب توده و دومی جدا شدن پسر پیشه‌وری از افکار و روش‌هایی که در آن تربیت‌شده بوده است.

■ **کتاب: جاسوسی در حزب**
■ **نویسنده: قاسم نورمحمدی**
■ **ناشر: جهان کتاب**

به نام تاریخ

■ ۹ دی

۲۸۵ روز از سال گذشته است و امروز را هم با مرور زندگی و آثار چهره‌هایی می‌گذرانیم که متولد امروز هستند یا درگذشت‌شان در برگه تقویم امروز ثبت شده است.

■ **تولدها**

علی اکبرپور: موسیقیدان و نوازنده بنام ویولن سال ۱۳۱۳ در چنین روزی به‌دنیا آمد. علی اکبرپور از کودکی نواختن ویولن را آموخت و موسیو پروانه از اولین استادانش بود. ۱۳ ساله بود که در رادیو بی‌سیم رشت این ساز را می‌نواخت. او پس‌از استخدام در ارتش در ارکستر ارتش نوازندگی و آهنگسازی می‌کرد و خودش هم ارکستری تشکیل داد که در رادیو رشت موسیقی اجرا می‌کرد و سال ۱۳۳۴ غلامحسین بنان با آن ارکستر برنامه اجرا کرد. در این دوران اکبرپور و ارکسترش با خوانندگان دیگری مانند ناصر مسعودی، فانی، نادر گلچین و فریدون پوررضا همکاری می‌کردند و پس‌از آن اکبرپور با بسیاری از خوانندگان مشهور مانند مازیار، رشید وطن دوست، مهرداد گودرزی، بهرام گودرزی، بهرام حصیری، بیژن بیژنی و فاضل جمشیدی همکاری کرد و قطعه «میرزا کوچک خان» با صدای ناصر مسعودی یکی از مشهورترین آثار اوست. مجموعه‌های «نغمه‌های زندگی»، «سوئیت‌ها»، «سمفونی‌ها» و قطعه‌های مختلف برای ویولن، فلوت، نی و پیانو هم از جمله آثار بی‌کلام اوست که برای ارکسترهای بزرگ و کوچک نوشته شده‌اند. اکبرپور در ارکسترهایی مانند باربد، نکیسا و ارکسترهای بزرگ رادیو و تلویزیون هم به‌عنوان نوازنده و آهنگساز حضور داشته است. تصنیف «شهید وطن» یکی از آثار ماندگار اکبرپور است که باعث شد به‌عنوان آهنگساز پیشکسوت دفاع مقدس از او در جشنواره موسیقی مقاومت تجلیل شود.

جود لا: بازیگر انگلیسی و مشهور امروز ۴۸ ساله می‌شود. جود لا کارش را در سال ۱۹۸۷ با اجرا در تئاتر ملی موسیقی جوانان انگلستان آغاز کرد و به‌دلیل بازی در نقش‌های متفاوت و مختلف نامزد دریافت جایزه الیویر تئاتر لندن شد. در سال ۱۹۹۵ به برادوی راه پیدا کرد و موفق شد جایزه تونی را برای کارهایش به دست آورد. او با فیلم «خرید» در سال ۱۹۹۴ وارد سینما شد و پس از آن در فیلم‌های «دوستت دارم، دوستت ندارم»، «خم شده»، «وایلد»، «وموسیقی از اتاقی دیگر» و «حضور ذهن» بازی کرد و با بازی در «آقای ریپلی با استعداد» در سال ۱۹۹۹ برنده جایزه بفتای بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد. «دشمن پشت دروازه ها» دیگر تجربه موفق جود لا بود و پس از آن با فیلم‌های «هوش مصنوعی»، «جاده‌ای به سوی تباهی» و «کوهستان سرد» درخشید که برای «کوهستان سرد» نامزد جایزه اسکار شد. «نزدیک تر»، «الفی»، «هوانورد»، «کاپیتان اسکای و دنیای فردا»، «همه مردان پادشاه»، «تعطیلات»، «شب‌های بلوبری من»، «شرلوک هولمز»، «شرخر»، «شیوع»، «هوگو»، «آنا کارنینا»، «دام همینگوی»، «هتل بزرگ بوداپست» و «نابغه» دیگر فیلم‌هایی هستند که جود لا در آنها بازی کرده است. او در سریال‌هایی مانند «مارشال» و «کتاب پرونده‌های شرلوک هولمز» هم حضور داشته و بازی اش در سریال «پاپ جوان» بسیار مورد توجه قرار گرفت.

● **پاتریشیا کلارکسون** بازیگر امریکایی، **جان ویت** بازیگر امریکایی، **جین لوی** بازیگر امریکایی، **دیلان مینت** بازیگر امریکایی و **مسعود دلخواه** بازیگر و کارگردان هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

آندری تارکوفسکی: کارگردان مشهور روس سال ۱۹۸۶ در چنین روزی درگذشت. آندری تارکوفسکی متولد سال ۱۹۳۲ بود و پدرش از شاعران مشهور روسیه بود. او در مدرسه فیلم تحصیل کرد و همان زمان دو فیلم کوتاه ساخت که یکی از آنها به‌نام «غلتک و ویولن» در جشنواره نیویورک برنده جایزه شد. تارکوفسکی اولین فیلم بلندش را سال ۱۹۶۲ با نام «کودکی ایوان» ساخت که برایش ۱۵ جایزه بین‌المللی مانند شیر طلایی جشنواره ونیز را به دست آورد. «آندره روبلوف»، «سولاریس» و «آیینه» فیلم‌های بعدی او بودند و پس‌از آن با فیلم «استاکر» ژانر علمی تخیلی را تجربه کرد. «نوستالژیا» نخستین فیلمی بود که تارکوفسکی به‌طور کامل در خارج از شوروی آن زمان در سال ۱۹۸۳ ساخت چون دولت شوروی اجازه ساخت آن را نداد و تارکوفسکی پس‌از آن دیگر به کشورش بازنگشت. «ایثار» آخرین فیلم تارکوفسکی بود که جایزه هیأت داوران جشنواره کن را به‌دست آورد. او در عالم سینما پس از سرگیی آیزنشتاین مطرح‌ترین سینماگر سینمای شوروی است.

● **مارک آنتوان ژیرار دوسن امان** شاعر فرانسوی، **ژان لویی داوید** نقاش فرانسوی و **کریستینا روستی** شاعر انگلیسی هم در چنین روزی درگذشتند.

عکس نوشت

نویسنده فیلمنامه فیلم های«خواهران غریب»، «جهیزیه‌ای برای رباب»، «مرسدس»،«آشپزباشی»،«خداحافظی طولانی» و «خانه خلوت» دیروز در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد. مراسم تشییع پیکر اصغر عبداللهی از فیلمنامه‌نویسان باسابقه سینمای ایران با حضور جمع محدودی از خانواده و همکاران او برگزار شد و منوچهر شاهسواری (مدیرعامل خانه سینما)، احسان عبدی پور، احمد امینی و همایون اسعدیان در این مراسم حاضر بودند.